

# آل گرت هرات

بررسی اثری از لارنس گودارد پاتر

دکتر محمدالله افضلی<sup>۱</sup>

## چکیده

گرت، گرت یا کورت، سه شکل نوشتاری نامی است که در مقطعی از تاریخ هرات مطرح بوده است و نمایانگر دوره درخشان؛ اما ناشناخته این سرزمین می باشد. این واژه نام خاندان و حاکمیتی است که صدوسی و شش سال در هرات حکمروایی داشتند و بانی خدمات ارزنده شدند. این بخش کم آوازه تر تاریخی، عنوان پایان نامه دکترای پژوهشگری به نام «لارنس گودارد پاتر» می باشد که تا هنوز به چاپ نرسیده است.

این مقاله به دنبال آن است تا موضوع و محتوای این اثر را شناسایی و معرفی کند و جایگاه و اهمیت آن را با استفاده از مطالب مطرح شده، نمایان سازد. بدون تردید گفته های بسیاری در این کتاب وجود دارد که مجال ارایه تمام آن ها در این نوشته نیست و این اثر باید به صورت کامل ترجمه شود. جالب ترین موضوع آن که مربوط به شکل نوشتاری و املاي واژه «گرت» می باشد، تحت عنوان مستقلی از جانب نویسنده اثر ترتیب گردیده است که ترجمه آن در انتهای این مقاله خواهد آمد.

کلیدواژه: گرت، هرات، خراسان، سیفی هروی،

## مقدمه

از جانب سردبیر موسسه پژوهشی بایسنغر، پایان نامه دکترای پژوهشگری به نام «لارنس گودارد



۱. مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی و تصوف - afzali1966@gmail.com



پاتر» به من معرفی شد تا پیرامون ماهیت و کیفیت آن مطلبی تهیه کنم. پاتر این اثر را در سال ۱۹۹۲ در دانشگاه کلمبیای امریکا به این عنوان و مشخصات

Lawrence G. Potter's Ph.D. thesis, *The Kart Dynasty of Herat: Religion and Politics in Medieval Iran* (Columbia, 1992)

به پایان رسانده‌است. هنگامی که مقدمات این اثر را مطالعه می‌کردم به این جمله برخوردیم: «با وجود اهمیت آن‌ها، تا کنون دانشمندان غربی گرت‌ها را نادیده گرفته‌اند و اعتبار موفقیت‌های آن‌ها معمولاً به جانشینان مشهورترشان، یعنی تیموریان، تعلق گرفته‌است». این سخن، به صورت ناخودآگاه نام کتاب دو قرن سکوت را در ذهن‌ها تداعی می‌کند. عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب دو قرن سکوت<sup>۱</sup> می‌گوید: «نه آخر در طی این دو قرن زبان ایرانی خاموشی گزیده بود و سخن خویش جز بر زبان شمشیر نمی‌گفت؟» شکایت‌های دو نویسنده از لحاظ محتوا با هم متفاوت است؛ اما به لحاظ شکل با هم شباهت دارند. شکایت زرین‌کوب، شکایت دورنی و هم‌زمانی بوده و گلایه پاتر، گلایه بیرونی و در زمانی است. او از ناکارایی فرهنگی زمان مورد نظرش صحبت می‌کند و این از کارایی فرهنگی عصر مورد علاقه‌اش می‌گوید. او از آدم‌های



۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، دو قرن سکوت، تهران، انتشارات سخن.



همان عصر گله مند است و این از انسان‌های این عصر. به هر حال، دغدغه زرین کوب از نبودن و گفتن است و دغدغه پاتر از بودن و نگفتن.

نویسنده اثر *آل گرت هرات* سعی دارد تا زوایای پنهان این دوه را آن گونه که وجود داشته است از لابه لای متون و دیدگاه‌های دیگران بیرون کشیده و در یک مجموعه یک دست به خوانندگان عرضه کند. او در قسمتی از سخنان آغازینش می‌نویسد: «هدف این رساله، بازسازی تاریخ خراسان در خصوص نقش یک سلسله کوچک و نه ناچیزی است که به حفظ و انتقال میراث فرهنگی خراسان در زمانی که این مناطق، برای چندین نسل، تحت سلطه اجانب و غیرمسلمان‌ها بود، کمک کردند. این پژوهش مطرح می‌کند که قرن چهاردهم، نه تنها عصر انحطاط و زوال نبود؛ بلکه یکی از دوره‌های سیالیت و خلاقیت در مذهب، سیاست و هنر بود». فهرست مأخذ کتاب نشان می‌دهد که وی به آثاری بسیاری در زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و ترکی مراجعه کرده و برای اثبات ادعای خویش از هر منبعی سود برده است.

تلاش‌هایی از این دست، زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهند که جامعه ادبی ما خود چنین دقت و رغبتی به داشته‌های تاریخی این سرزمین ندارد و منتظر است که خلق اثری مانند این، از جانب محققان غربی ما را شگفت‌زده کند و ما اعتبار و اعتماد نوشتاری خود را مدیون کسانی باشیم که از آن سوی دنیا راه می‌افتند و کوچه پس‌کوچه‌های تاریخ ما را به ما نشان می‌دهند.

نگارش این کتاب به زبان انگلیسی امروزی تهیه شده و دشواری‌های زیادی برای ترجمه ندارد. سردبیر محترم نامه بایسنغر پیشنهاد ترجمه کامل آن را نیز مطرح کرده‌اند که اگر فرصتی میسر بود، بعد از کسب موافقت مؤلف و با هم‌کاری ایشان، این تلاش مهم به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

## ساختار

این رساله در هفت فصل و بیش از پنجاه عنوان اصلی و فرعی تهیه شده و ۲۳۳ صفحه را در بر گرفته است. تنها فهرست منابع دست اول و دوم آن به زبان‌های شرقی و غربی ۱۴ صفحه را به خود اختصاص داده و پیوست‌های آن ۳۲ صفحه را در بر گرفته است. در مجموع ۶۲ صفحه، جدای از متن اصلی به مقدمه و مؤخره این اثر تعلق گرفته است.

در فصل اول، حملات مغول، ظهور خاندان‌های مستقل، اهمیت گرت‌ها، هرات تاریخی، ساختار ادیان، ظهور تصوف، و تشکیلات قبیله‌ای آن زمان را به صورت همه‌جانبه، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و به نکات ارزنده‌ای اشاره دارد.





در فصل دوم، عنوان‌های گرت‌ها، اصل و نسب گرت‌ها، املائی «گرت»، گرت‌های اولیه، شاهان گرت، گرت‌ها و ایلخانیان، وفاداری و مشروعیت، عناوین و القاب و سقوط گرت‌ها را موشکافانه شناسایی و معرفی کرده و جزئیات خوبی از شناسنامه گرت‌ها به ویژه از نحوه تلفظ و نوشتن کلمه گرت بیان می‌دارد.

در فصل سوم، قلمرو گرت‌ها، گسترش مناطق شمالی، قلعه خیسار، دژها و قلعه‌های دیگر، سیاست خارجی، سرداران و روابط با هند را از دید یک محقق ورزیده به معرفی گرفته و با استفاده از امکانات امروزی و عکس‌ها و نقشه‌هایی که به دست آورده است، کارش را به نحو شایسته‌ای به پیش برده است.

در فصل چهارم، برخی موضوعات مانند گرت‌ها و تصوف، ظهور طریقه‌ها، اقسام تصوف، صوفی‌های هرات، اهمیت حدود، تشکیلات جام و چشت، ایدیالوژی و توسل عوامانه، صوفی‌ها و حکومت، صوفی به صفت میانجی، هم‌دستی با دولت، ثروت و ریاضت و صوفی‌ها و قبایل و یک جمع‌بندی، با جزئیات لازم آن‌ها به طور مفصل بیان شده است.

در فصل پنجم، عناوین نیروهای سیاسی و اجتماعی، نقش پادشاه، عصر امرا، علما، روستاییان، انجمن‌زراعتی و پیمان‌های ازدواج، مباحث جالبی است که با ریزه‌کاری‌های تحقیقی انجام شده و بر جذابیت اثر افزوده است.

در فصل ششم، احیای مجدد هرات، سرشماری جمعیت، هرات بازسازی شده، فعالیت‌های ساختمانی، هنر و ادبیات با بخش‌های پیدایش سبک‌های تیموری، نگارگری، فلزکاری، مسکوکات و ادبیات عناوین این فصل را دربرداشته و چهره متفاوت این شهر را به‌تر به نمایش می‌گذارد.

فصل هفتم به نتیجه‌گیری، فهرست کتاب‌های برگزیده، منابع دست اول و ترجمه‌های فارسی، عربی، و ترکی، منابع دست دوم فارسی و ترکی، تاریخچه اخیر زیارتگاه‌ها، فهرست تصویرها و نمودارها همراه با نقشه‌ها و پیوست‌های ضروری اختصاص یافته است.

در قسمت ظاهر غیرطباعتی آن باید گفت که نسخه چاپی (پی دی اف) این اثر کیفیت مطلوبی نداشت و نظر به این‌که رساله مذکور چاپ نشد و از نعمت ویراستاری و بازخوانی‌های متعدد بی‌بهره است، در برخی موارد کوچک از اشتباهات تایپی مصون نبوده است. افزون بر آن، هنگام نگارش مشخصات یک ماخذ ترکی یا اروپایی، اصل زبان در پاورقی و فهرست منابع، به کار رفته و کم‌تر به انگلیسی ترجمه شده است؛ در حالی که در یادآوری از مأخذهای فارسی و عربی،



زبان اصلی آن‌ها با حروف انگلیسی که به آن نوشتار تلگرامی قدیم یا «فینگلیسی» می‌گویند، نوشته شده و عین کلمات و عبارات به انگلیسی نیز ترجمه شده‌است. به همین علت برخی از مأخذدان‌ها چند جمله را در بر گرفته و لیست منابع کتاب نیز طولانی شده‌است. شعرهای فارسی هم به زبان اصلی و هم ترجمه انگلیسی آن ثبت این رساله شده‌است.

## محتوا

پاتر در سخنان آغازین خود بر این باور است که آل گرت (۶۴۳-۷۸۳ ق.)، یکی از معدود حکومت‌هایی است که در زمان ضعف حاکمیت مرکزی بعد از حمله مغول، در خراسان به اوج قدرت رسید. در زمان تسلط مغول‌ها و ترک‌ها در دنیای فارسی‌زبانان، گرت‌ها دارای گویشی نابهنجار در زبان تاجیکی یا فارسی بومی بودند. آن‌ها از پای‌تخت خود در هرات، که هم اکنون در غرب افغانستان قرار دارد، یک منطقه به هم پیوسته‌ای را اداره می‌کردند. این ادعا بیانگر آن است که محقق عزمش را جزم کرده‌است تا حدود یک‌ونیم قرن حاکمیت گرت‌ها را با تمام جزئیات آن، از ذهن فراموش‌شده تاریخ بیرون آورد و به علاقه‌مندان مباحث تاریخ پیشکش کند.

وی در فصل دوم و در قسمت اهمیت گرت‌ها می‌نگارد: «گرت‌ها از این نظر اهمیت دارند که آن‌ها فارسی‌زبانان بومی یا دودمان تاجیک‌تباری می‌باشند که در زمان فرمانروایی مغول‌ها و ترک‌ها بر بیش‌تر دنیای فارسی‌زبانان، به حفظ سنت‌های ایرانی کمک کردند. دی‌مینار، شرق‌شناس فرانسوی (د. ۱۹۰۸ م.) که بخش‌هایی از ترجمه تاریخ هرات وی برای نخستین بار توجه محققان غربی را به خود جلب کرد، اظهار داشت: «اگر اشتباه نکرده باشم، گرت‌ها در دوران حاکمیت کوتاه‌شان، از دشمنی سرسختانه؛ ولی پنهانی که در خون ایرانی وجود دارد، در برابر تهاجمات گروه‌های ترکی که از توران می‌آمدند، نمایندگی کردند»<sup>۱</sup>.

با چنین دیدی، نویسنده نشان می‌دهد که در صدد تثبیت هویت و اصالت خاندان نسبتاً بزرگی به نام گرت‌ها می‌باشد و تأکید نامبرده بر ویژگی‌های نه چندان برجسته این دودمان مشتاقان مطالعه تاریخ را به خوانش این اثر ترغیب می‌کند.

مطالعه این اثر نشان خواهد داد که خاستگاه ناشناخته این خاندان به کاوش گرفته شده و سلسله مراتبی از حاکمان آن‌ها نیز ترتیب گردیده و به نقش گرت‌ها به عنوان ادامه‌دهنده حکومت غوری‌ها تأکید شده‌است. طول عمر حکومت گرت‌ها به پذیرش آن‌ها به عنوان حاکمان مشروع،

1. Lawrence G. Potter's Ph.D. Thesis, *The Kart Dynasty of Herat: Religion and Politics in Medieval Iran* (Columbia, 1992), P 8.





چالاک‌سیاسی و گوشه‌گیری نسبی شهرشان بر می‌گردد. کاربرد موفقیت‌آمیز گرت‌ها در روابط با اربابان مغول، یعنی ایلخانیان، مد نظر بوده و هم‌چنین اوضاع حکومت، با تأکید بر نقش امیران یا رهبران نظامی و نخبگان دینی به عنوان قدرت‌های پشت‌صحنه دربار، مورد بررسی قرار گرفته‌است.

پاتر تلاش فراوانی به خرج داده تا سیاست‌های ماحول حاکمیت گرت‌ها را نیز به دقت مورد مطالعه قرار دهد و از چگونگی روابط دوجانبه و چندجانبه دودمان گرت معلومات کافی به دست آورد.

### روابط اجتماعی

موضوع حایز اهمیت دیگر این اثر، پرداختن به روابط اجتماعی حکومت گرت‌ها است. در این دوره علما و مخصوصاً عرفا نقش برانده‌ای در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر خود داشتند. دوره مورد بررسی، نقطه اوج تصوف خراسانی بوده و دوره‌ای است که در آن اجتماعات خانقاهی تصوف، نقش کلیدی در سیاست منطقه‌ای ایفا می‌کردند. بیش‌تر اوقات، چنین مراکزی به عنوان میانجی در فعالیت‌های سیاسی و روحانی عمل می‌کردند. در این اثر رابطه بین گرت‌ها و دو پایگاه تصوف مجاور آن، در جام و چشت، مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده‌است که صوفیان به سختی قابل دسته‌بندی بوده و در طیف وسیعی قرار دارند. برخی نقش‌های اجتماعی مهمی مانند میانجی‌گری در بین گروه‌های سیاسی را ایفا کردند. پاتر تصریح می‌کند که صوفیان جام از نزدیک با حکومت گرت متحد بودند؛ در حالی که صوفیان چشت فاصله خود را با آن حفظ می‌کردند.

وی در بحث اقسام تصوف در این دوره می‌آورد: «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تصوف در این دوره، تنوع وافر باورها و روش‌های دریافت شده از این اصطلاح می‌باشد. اگرچه مطالعات پیشین صوفیان بیش‌تر بر ابعاد عرفانی و ادبی آن‌ها معطوف بود؛ اما روشن است که در واقع طریقه‌ها از گوناگونی زیادی برخوردار بودند. برخی از آن‌ها در سطح منطقه‌ای گسترش یافته بودند؛ مانند قادریه در سوریه، ترکیه و شمال آفریقا، یا نقشبندیه در آسیای میانه، آناتولی و هند. برخی دیگر مانند تصوف جام کاملاً محلی بودند. برخی از صوفیان به خاطر هم‌نشینی با حاکمان، مانند جلال‌الدین محمد بلخی (د. ۶۷۲ق.) در قونیه یا علاءالدوله سمنانی (د. ۷۳۶ق.) که به یکی از ایلخانان مغول به نام ارغون خدمت می‌کرد، مشهور بودند. تعدادی دیگر مانند شیخ نظام‌الدین اولیاء (۷۲۵ق.) در دهلی قاطعانه غیر سیاسی بودند. برخی از طریقه‌ها مانند طریقه یسویه که



به ترک‌ها می‌رسد، در قدم اول به یک گروه قومی منسوب بودند. بعضی‌ها هم در سرزمین‌های مرزی اسلام مانند نقشبندیه و صفویه نقش مهمی در تغییر مذهب ایفا کردند.<sup>۱</sup>

رسیدگی حکومت به امور مختلف مردم، فاصله بین جامعه و دولت را از بین برده بود و همین امر نیز سبب استحکام و دوام حاکمیت آل گرت با مرکزیت هرات شده بود. در این اثر پرداختن حکومت به مسایل اقتصادی و زراعتی نیز در اولویت قرار داشته و پاتر کوشید تا نشان دهد که گرت‌ها، توجه به تجارت تا زندگی شخصی مردم (ازدواج) را در دستور کار خود قرار داده بودند.

### رشد فرهنگی

پاتر تمام گفتنی‌های لازم پیرامون زحمات آل گرت در قسمت رشد فنون ساختمانی، مهارت‌های فنی و هنرهای متداول را بیان داشته و در این زمینه سنگ تمام گذاشته است. وی معتقد است که اهمیت گرت‌ها در بازسازی هرات و بازگرداندن آن شهر به جایگاهی بالاتر از دیگر شهرهای خراسان در دوران پس از مغول، در این اثر به صورت شاید و باید مورد بحث قرار گرفته است. این رساله نشان خواهد داد که گرت‌ها هنرها به ویژه فلزکاری را احیا کردند و عرصه را برای دستاوردهای هنری تیموریان آماده ساختند.

پاتر در قسمت کارکردهای ادبی این دوره می‌گوید: «در اوایل قرن چهاردهم میلادی گرت‌ها در موقعیت مالی مناسبی قرار داشتند تا بتوانند از نویسندگان و شاعران زبان فارسی حمایت کنند. اثر بسیار مهمی که در دربار آن‌ها تدوین شد، بدون تردید تاریخ سیفی بود. سیفی (زاده ۶۸۱ق.) خود اصالتاً هراتی است و از تسلط به زبان فارسی و عربی و دانش علوم اسلامی وی معلوم می‌شود که یک نفر در آن‌جا می‌توانست تحصیلات خوبی داشته باشد حتی اگر شرایط نامساعد باشد. تاریخ هرات ظاهراً در بین سال‌های ۷۱۸ - ۷۲۱ق. به دستور ملک غیاث‌الدین گرت نوشته شده بود».<sup>۲</sup>

علاوه بر ابن‌یمین فریومدی که مدتی در دربار آل گرت مدیحه‌سرایی می‌کرد، در حدود ۴۰ شاعر دیگر از جمله شاعری به نام ربیعی که مثنوی‌ای به نام گرت‌نامه را به شیوه شاه‌نامه فردوسی و به فرمایش ملک فخرالدین سروده بود، حضور داشتند. دغدغه پاتر این است که عدم انعکاس چنین دوره درخشانی از انصاف به دور بوده و او را وادار کرده است که زحمات زیادی را برای

1. Lawrence G. Potter's Ph.D. thesis, *The Kart dynasty of Herat: religion and politics in medieval Iran* (Columbia, 1992), P 84.

2. Lawrence G. Potter's Ph.D. thesis, *The Kart dynasty of Herat: religion and politics in medieval Iran* (Columbia, 1992), P 163.





شفاف‌سازی این بخش از تاریخ به خرج دهد. به جرأت می‌توان گفت که این رساله بیش از یک پژوهش منطقه‌ای بوده و در پی آن است تا برای پی‌ریزی تاریخ‌های کامل‌تری از دوره‌ای که هنوز باید نوشته شود، کمک کند.

اما مطلبی که جذابیت این اثر را افزایش داده، املائی واژه‌گرت می‌باشد که نویسنده با دقت و فراست به آن پرداخته است. اهمیت این عنوان از آن جهت افزایش یافته است که تا به حال هیچ نویسنده‌ای با این قاطعیت و با این استدلال از واژه «گرت» و شکل نوشتاری دقیق آن به صورت همه‌جانبه معلومات ارائه نکرده است. تلاش پاتر در این زمینه ستودنی است و به خاطر اهمیت موضوع ترجمه این بخش از رساله را در این جا می‌آوریم.

### املائی «گرت»<sup>۱</sup>

راز «گرت‌ها» با معنی و تلفظ صحیح خود اسم آغاز می‌شود. متأسفانه این موضوع توسط سیفی<sup>۲</sup> یا سایر مؤرخان هرات که بدون شک آن را می‌دانستند، روشن نشده است. خاورشناسان برجسته در این مورد به چند دسته تقسیم می‌شوند و تردید دارند که آیا این اسم باید با فتحه (a) خوانده شود یا با ضمه (o)، یعنی به شکل «گرت» یا «گرت» یا هم «کورت». بنابراین براون<sup>۳</sup>، بارتولد<sup>۴</sup>، تاور<sup>۵</sup>، اسپولر<sup>۶</sup> و اوبین<sup>۷</sup> املائی «کورت» را ترجیح می‌دهند؛ در حالی که زامباور<sup>۸</sup>، مینورسکی<sup>۹</sup>، فرای<sup>۱۰</sup>، مویاد<sup>۱۱</sup> و رومر<sup>۱۲</sup> «گرت» را ارجح می‌دانند. دو مرجع معتبر در عرصه پژوهش، *دانش‌نامه اسلام*<sup>۱۳</sup> و *دانش‌نامه ایرانیکا*<sup>۱۴</sup>، هر دو «گرت» را انتخاب کرده‌اند؛ اما احتمال «گرت» یا «کورت» را به ترتیب به عنوان جای‌گزین املائی می‌پذیرند. عباس اقبال، تاریخ‌نگار معاصر ایرانی که در این دوره تخصص داشته، نتوانسته است که هیچ نکته‌ای را در این باره

1. Kart.

۲. سیف بن محمد بن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی تاریخ‌نگار سده هشتم هجری قمری و مؤلف کتاب *تاریخ‌نامه هرات*.

3. Browne, *Literary History*, III, p 173.

4. W. Barthold, *Turkestan Down to the Mongol Invasion*, 4th ed., E.J.W. Gibb Memorial Series, New Series, V ([Cambridge, England]: E.J.W. Gibb Memorial Trust, 1977), p 414.

5. Tauer, *Cinq Opuscules*, "Introduction," IX.

6. Spuler, *Die Mongolen in Iran*, p 129.

7. Aubin, "Le Khanat de ta atai," p 17.

8. Eduard von Zambaur, *Manuel de genealogie et de chronologie pour l'histoire de l'Islam* (Hanover: H. Lafalre, 1927), p 256.

9. V. Minorsky, *review of Persian Literature: A bio-bibliographical survey*, by C.A. Storey, in *Bulletin of the School of Oriental Studies (University of London)* 8 (1935-37), p 257.

10. Richard N. Frye, "Two Tilmurid Monuments In Herat," *Artibus Asiae* 11(1948): 209, footnote

11. Moayyad, "Ahmad-e Jam," *Elr*, vol.I, p 648.

12. Roemer, *Cambridge History of Iran*, 6, p 18.

13. *El* 2 vol. 4 (1978), p 672. Article by T.W. Haig, rev. by Spuler. (See comment below, p.38 fn.1.)

14. Spuler, "Al-e Kart," *Elr*, vol. I, pp 758 - 60.





روشن کند.<sup>۱</sup>

دلیل این سردرگمی، وجود نسخه‌های خطی قدیمی‌ست که در آن‌ها به هر دو روش اشاره شده‌است. بنابراین ادوارد براون خاطر نشان می‌سازد که در نسخه دقیق‌تری از *روضات الجنات* اثر اسفزاری که وی از آن استفاده کرده‌است، این نام بارها و بارها به شکل «کورت» نوشته شده‌است.<sup>۲</sup> مصحح تاریخ نامه هرات نیز از «کورت» استفاده می‌کند، زیرا او دو نسخه خطی از اثر اسفزاری را پیدا کرده بود که به این نکته اشاره داشت.<sup>۳</sup> «فرای» نیز از نسخه خطی خلاصه الاخبار خواندمیر در کتابخانه «بادلیان» در آکسفورد یاد می‌کند که با املائی «کورت» می‌باشد.<sup>۴</sup>

کسانی که املائی «کورت» را ترجیح می‌دهند، آن‌ها به برخی از ابیات مولانا وجیه‌الدین نسفی<sup>۵</sup> در یادبود مرگ شمس‌الدین گرت اشاره دارند که به شرح زیر است:<sup>۶</sup>

به سال شش صد و هفتاد و شش مه شعبان      قضا از مصحف دوران چو بنگریست به فال  
به نام صدفدر ایرانیان محمد گرت      برآمد آیت «والشمس کورت» در حال

این پرسش که نام این خاندان چگونه نوشته شود، از سوی احمد زکی ولیدی توغان، یکی از دانشمندان برجسته ترکیه، به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته‌است.<sup>۷</sup> نتیجه‌گیری او این است که این نام به طور قطع «گرت» می‌باشد. او اشاره می‌کند که اشعار نسفی دلیل کافی برای این نیست که واژه «کورت» خوانده شود؛ گرچه واژه در نقل قول قرآنی یا آیه مربوطه «کورت» را فقط می‌توان «کُورَت» (kuvverat) خواند؛ اما این به خودی خود اثبات نمی‌کند که همتایش «گرت» (kart) باید به عنوان «کورت» (kurt) خوانده شود. اشاره به هر مورد، نوعی جناس با لقب شمس‌الدین دارد. افزون بر این، وی از نمونه‌های بسیاری از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های استانبول یادآوری می‌کند که در آن‌ها به صورت واضح به نام «گرت» اشاره شده‌است. این‌ها شامل کتابی در موضوع تاریخ عمومی به نام *مرآت‌الادوار و مرآت‌الخبار* می‌باشد که در سال

۱. اقبال، عباس، *تاریخ مفصل ایران*، ۱۳۴۷، ص ۳۶۷، پاورقی ۱.

2. Browne, *Literary History*, III, p 173, footnote 1.

۳. سیفی، *تاریخ نامه هرات*، ۱۹۴۳، پیش‌گفتار، ص ۷.

4. Frye, *Two Timurid Monuments*, p 209, footnote II.

۵. او قاضی القضاات و دبیر دربار ملک فخرالدین گرت بود و در سال ۱۳۰۶ به خیانت از طرف ملک به ایلخانان متهم شد. رک. اعتمادی، «دربار ملوک گرت»، ص ۵۰؛ محمد غرjestانی، «نویسندگان، دانشمندان و صوفیان معاصر دودمان گرت»، آریانا، سال ۱۷، شماره ۲، جدی ۱۳۳۸، هم‌چنان. حافظ‌ابرو، *تاریخ پادشاهان مغول در ایران*، [بخشی از ذیل *جامع‌التواریخ*]، جلد دوم، صص ۱۹ - ۲۶، به اهتمام خان‌بابا بیانی.

6. Cited in Browne, *Literary History*, III, p 175.

7. Ahmed Zeki Velidi [Togan] "Kert-mi Kurt-mu?" [Kart or Kurt?], *Turkiyat Mecmuasi* (Istanbul) 2 (1928), pp 392 - 96.





۹۷۴ق. توسط یکی از دانشمندان بزرگ سده شانزدهم، مصلح‌الدین محمد لاری، نوشته شده بود. «توغان» هم‌چنین اشاره می‌کند که به‌ترین نسخه روضه الصفا از میرخواند در استانبول که شخصاً توسط نواسه‌اش، خواندمیر کتابت شده‌است، این واژه به نام «گرت» آمده‌است. او به علاوه نسخه‌های خطی، به نامه‌های رد و بدل شده بین شمس‌الدین گرت و شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان اباقخان، [از حاکمان ایلخانی]، اشاره می‌کند که مشابه همین واژه «گرت» در آن‌ها به کار رفته است.<sup>۱</sup>

کسانی که «گرت» را ترجیح می‌دهند، به اطلاعات ارائه شده در کتاب عربی‌ای که در مورد بلاغت به نام المَطْوَل نوشته سعدالدین مسعود ابن عمر التفتازانی که در بین سال‌های ۷۲۲ - ۷۹۱ق. می‌زیست، نیز توجه دارند. تفتازانی<sup>۲</sup> یکی از مشهورترین عالمان دوران خود در ماوراءالنهر بود و المَطْوَل را (که در هرات و در ماه صفر ۷۴۸ق. به اتمام رسید) به ملک معزالدین حسین (۷۳۲-۷۷۱ق.) تقدیم کرد. پس کلام او باید به عنوان یک مرجع معتبر پذیرفته شود. او می‌گوید: «گرت با یک فتحه بر بالای «ک» و سکون بر «ر» و «ت» آخر، عنوان یا لقبی است که برای عظمت (تعظیم) در سنت و رسوم آن‌ها به کار می‌رود.<sup>۳</sup>

در مورد معنی کلمه مذکور تفتازانی پیش از این اشاره کرده‌است که به عظمت ارتباط دارد (تعظیم در زبان عربی به معنی بزرگ یا بزرگ کردن بوده و در فارسی به معنی سرفروود آوردن است). «راورتنی» می‌گوید که این واژه به بزرگ‌بودن، عظمت، بزرگواری و مانند آن گفته می‌شود.<sup>۴</sup> نویسندگان معاصر افغان مانند غرجستانی<sup>۵</sup> و حبیبی<sup>۶</sup> معتقدند که «گرت» یکی از لقب‌های پدر ملک شمس‌الدین می‌باشد. بسیاری از نویسندگان می‌گویند که واژه «گرت» از ریشه خوارزمی بوده<sup>۷</sup> که در حال حاضر زبانی ناشناخته است.<sup>۸</sup>

1. Ibid, p 395.

۲. او از قریه تفتازان در نزدیک شهر نسا و در شمال مشهد بوده و طبق اخبار، آثار او تا حال در مدرسه‌های شرق تدریس می‌شود. هم‌چنان رجوع کنید به C.A. Storey, Al-Taftazani, in EI 1 vol. 4 (1934), 604-07; also Browne, *Literary History*, III, pp 353-55.

3. Masoud b, Omar al-Taftazani, al-Mutawwal (Dehli: Kotobkhaneh-ye Rashidiyeh, Jame' Masjed, N D: reprint Lahore: Malek Seraj al-Din ind, Tajeran Kotob, Honor Kashmiri Bai.ar, n.d.), p 9.

4. Juzjani/Raverty, II, 1198, footnote 8. No source is cited.

۵. محمد غرجستانی، یک صفحه از تاریخ آل گرت، آریانا، سال ۱۶، شماره ۴، ثور ۱۳۳۷، ص ۴۱.

۶. عبدالحی حبیبی، تعدیل در نسب‌نامه آل گرت، آریانا، سال ۶، شماره ۸، ثور ۱۳۲۷، ص ۵.

7. For example, Gharjestani, "Yek sa(Qeh)," 41. Another tradition related by Mowlana Sa'd al-Din Kermani (a contemporary of Timur) in his FotulµJt-e Miranshahi (now lost) and transmitted by Lari, states that the word Is Khwarazmlan and means shekaft (something cut up, In parts). Cited by Velidi, "Kert-mi Kiln-mil?," 394 and by Bregel, Persidskaia literatura, p 1042, fooblote 3.

8. Lawrence G. Potter's Ph.D. thesis, *The Kart dynasty of Herat: religion and politics in medieval Iran* (Columbia, 1992), pp 29-31.